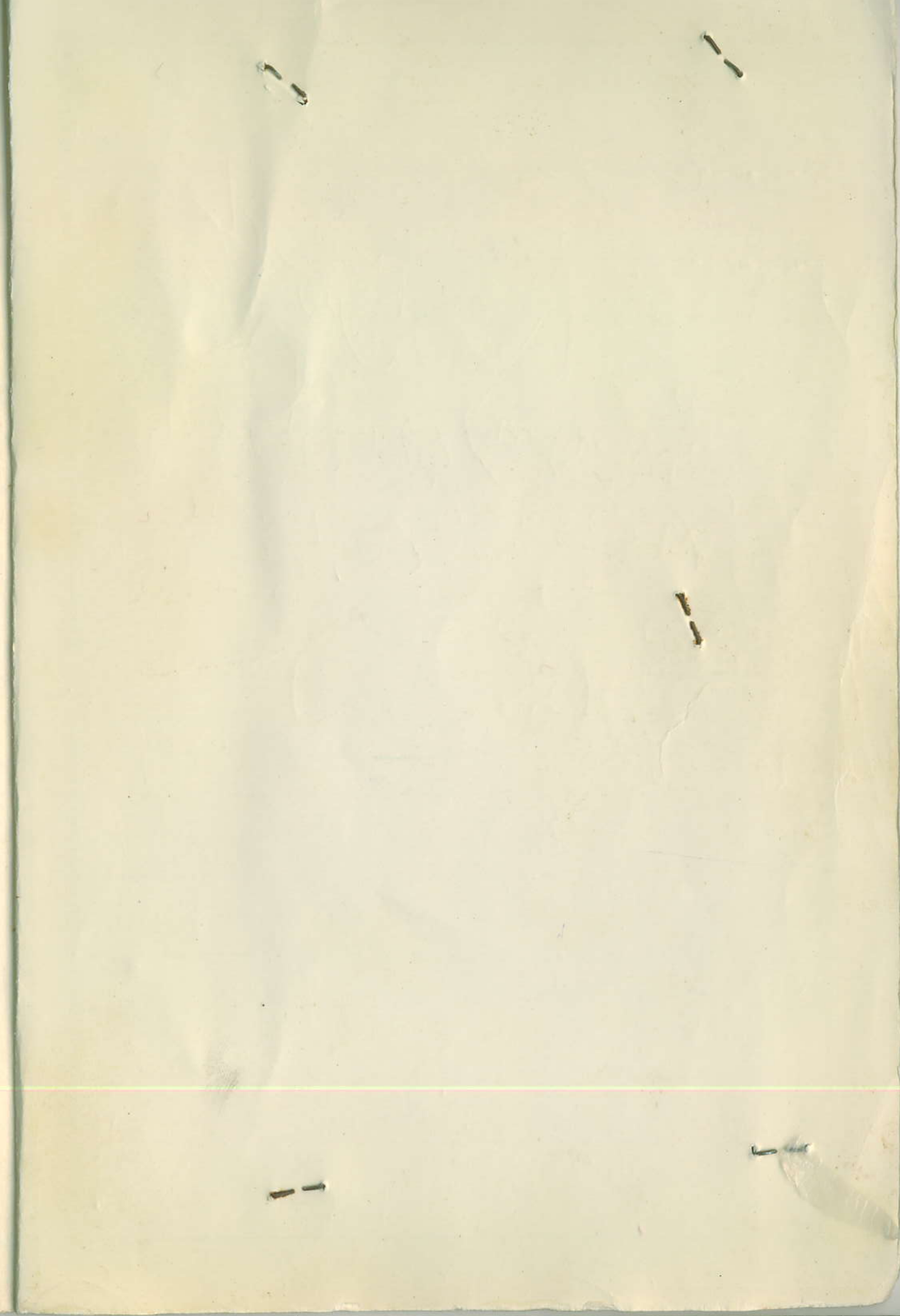
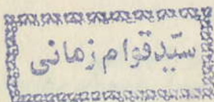


اسپرانتو

تألیف: دکتر ح ــ رشیدی





بنام خدا

پیشگفتار :

سال ۱۸۸۷ یعنی درست یکصد سال پیش اسپرانتو بعنوان یک زبان جهانی با انتشار اولین کتاب درسی توسط دکتر لازاروس لودویک زامنهوف اختراع گردید .

اسپرانتو چون یک زبان خیلی آسان و ساده است برای تسهیل روابط میان ملتها نقش ارزنده‌ای ایفاء می‌کند . به همین سبب امروز در اکثر کشورهای جهان تدریس می‌شود که در شرق و غرب جهان فرستنده‌های رادیو روزانه به زبان اسپرانتو برنامه پخش می‌کنند . صدها کلوپ اسپرانتو تشکیل شده ، کتب و مجلات زیادی به زبان اسپرانتو نشر می‌گردد .

همچنان با توجه به بی‌طرفی فرهنگی ــ سیاسی سازمان یونسکو (سازمان فرهنگی ، تربیتی و علمی ملل متحد) در سال ۱۹۵۴ زبان اسپرانتو را به رسمیت شناخت و آموزش آنرا به تمام ملتهای عضو توصیه کرد .

نویسنده مفتخر است که برای اولین بار در ایران اقدام به چاپ اینچنین کتاب خودآموز مصور اسپرانتو که تاکنون در ایران بی‌سابقه بوده بنماید و امیدوار است این خودآموز کوچک و مقدماتی بتواند احتیاجات نوآموزان زبان اسپرانتو را در حد خود برآورده سازد .

موءلف

نام کتاب : زبان اسپرانتو
تالیف : دکتر ح. رشیدی
تعداد : ۲۰۰۰ جلد
تاریخ انتشار: بهار ۱۳۶۵
نوبت چاپ : اول
چاپ و صحافی: سازمان چاپ مشهد، ۹۰۹۹۰

بنام خدا

الفبای اسپرانتو
Alfabeto

خواندن و نوشتن :

در اسپرانتو ، هرچه نوشته شود عینا" همان خوانده می‌شود و هر چه شنیده شود همان نوشته می‌شود .

اسپرانتو مجموعا" از ۲۹ حرف تشکیل می‌شود که هفت حرف آن را مانند سایر السنه اروپائی حروف صدادار می‌نامند .

a	e	i	o	u	aŭ	eŭ
آ	ا	ئی	ا	او	او	ای

از دو حرف صدادار اخیر کمتر کار گرفته می‌شود .

حروف بی‌صدا : حروف بی‌صدا مستقلا" باحرکت پیش (ضمه) تلفظ می‌شود .

b	d	f	g	h	k	l	m	n
ب	د	ف	گ	ح	ک	ل	م	ن
p	r	s	t	v	z	u		
پ	ر	س	ت	و	ز	ا		

از حرف u عموما " در ترکیب au و eu کار گرفته می‌شود .

حروف مخصوص اسپرانتو :

در اسپرانتو هشت حرف مخصوص وجود دارد که بعضی‌از آنها با (کلاهگک) = ^ مشخص می‌شود .

ŝ	ĵ	ĥ	ĝ	ĉ	c	g	j
ش	ژ	خ	ج	چ	تسو	گ	یو

چهار حرف زیر در اسپرانتو خیلی نایاب است :

Y	X	W	Q
وای	ایکس	دبلیو	کیو

در تلگراف های بین المللی به خاطر فقدان حروف با کلاهگک بجای آن از حرف h کار گرفته می‌شود که بعد از حروف کلاهدار قرار می‌گیرد .

Ch	=	ĉ	Jh	=	ĵ
Gh	=	ĝ	Sh	=	ŝ
Hh	=	ĥ	Uh	=	W

اکسان (استرس = فشار) :

قاعده عمومی است اکسان همیشه روی سیلاب ماقبل آخر کلمه صورت می‌گیرد که این قاعده همواره ثابت می‌باشد .

مانند : pat-ro

سیلاب ماقبل آخراست

این کلمه از دو سیلاب متشکل است .

نمونه سه سیلابه : ko-ki-no

سیلاب ماقبل آخر

نمونه پنج سیلابه :

lo- ko-mo-ti-vo

سیلاب ماقبل آخر است

گویا که فشار صدا باید روی سیلاب ماقبل آخر قرار گیرد .

حذف :

گاهی برای رعایت وزن و خوش آهنگی بیشتر در مورد شعر حروف a و یا o حذف گردیده در عوض به جای آن علامت حذف گذاشته می‌شود .

علامت حذف بدین شکل است :

apostrofo (')

مانند : la

l'

ویا : orelo گوش

که می‌شود orel'

ویا : doktor' پزشک

plum' قلم

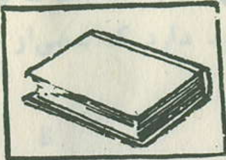
paper' کاغذ

l'kreto گچ

که در آن کلمات o و a حذف شده است .

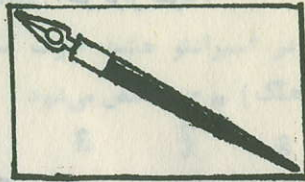
درس ۱

Leciono 1



libro

کتاب



plumo

قلم



krajono

مداد



inkujo

دوات



kajero

دفتر

kio چه

estas است

Kio estas? چیست؟

tio آن

ĉi tiu این



tio آن

ĉi tiu این

Kio estas tio? — آن چیست ؟

Tio estas libro. — آن کتابی است .

Kio estas ĉitiu? — این چیست ؟

Ĉitiu estas plumo. — این قلم است .

Ĉu tio estas inkujo? — آیا آن دوات است ؟

jes بلی — ne نه



درس ۲

Leciono 2



lernantino
دختر دانش‌آموز
ŝi او

li او
پسر دانش‌آموز
lernanto

kiu	mi	vi
کی	من	شما

Kiu estas?	کیست ؟
Kiu vi estas?	شما کیستید (شما چه کسی هستید) ؟
Mi estas lernanto.	من پسر دانش‌آموز هستم .
Ŝi estas lernantino.	او دختر دانش‌آموز است .
nomo	اسم
Kio estas via nomo?	اسم (نام) شما چیست ؟

Mia nomo estas Ali.	نام من علی است .
Kio estas ŝi a nomo?	نام آن دانش‌آموز دختر چیست ؟
Ŝia nomo estas Fatima.	نام او فاطمه است .
dankon!	متشکرم !

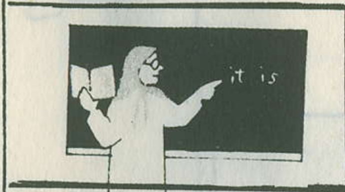


درس ۳
Leciono 3



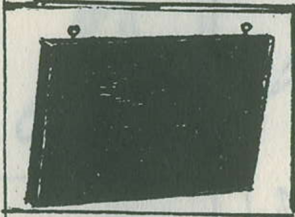
la instruisto

آموزگار



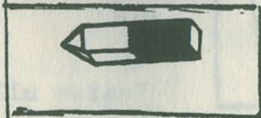
la instruistino

خانم معلم



la nigra tabulo

تخته سیاه



la kreto

گچ



la spongo

ابر

Vi estas instruisto. — شما آموزگار هستید .

Ŝi estas instruistino. — او (زن) خانم معلم است .

Kie estas la instruisto? — آموزگار کجاست ؟

Li estas en la klaso. (klaso-ĉambro) — او سر کلاس است .

Kion faras li? — او چه می‌کند ؟

Li instruas. — او درس می‌دهد .

Kion faras lernantoj? — شاگردان چه می‌کنند ؟

Ili lernas. — آنها درس می‌خوانند .

Ili forestas neniam. — آنها هیچگاه غایب نیستند .

Kion faras instruistino? — خانم معلم چه می‌کند ؟

Ŝi skribas sur la nigra tabulo.
او (زن) سرتخته سیاه می‌نویسد .

Per kio ŝi skribas? — او با چه می‌نویسد ؟

Per kreto — با گچ

la kreto — گچ

Kia estas la kreto? — گچ چگونه است ؟

Ĝi estas blanka. — آن (شی) سفید است .

Kia estas la tabulo? — تخته چگونه است ؟

La tabulo estas nigra. — تخته سیاه است .

Mi prenas spongon. — من ابر را می‌گیرم .

Mi viŝas per spongo la nigran tabulon.
من با ابر تخته سیاه را تمیز می‌کنم .

En kioma klaso vi lernas?
در کدام کلاسید ؟ در کدام کلاس درس می‌خوانید ؟

Mi lernas en la sepa klaso. — من در کلاس هفتم هستم .

Kiom de gelernantoj estas en la sepa klaso?

در کلاس هفتم چند پسر و دختر دانش آموز است ؟

Tie estas preskaŭ 30 gelernantoj.

در آن سی دانش آموز است .

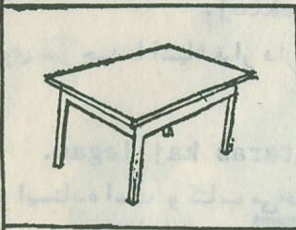


درس ۴

Leciono 4

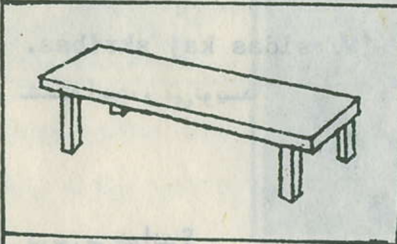


la seĝo صندلی

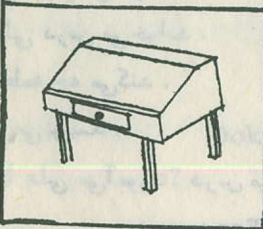


la tablo میز





la benko نیمکت



la podio میز مطالعه

El kio estas la seĝo? صندلی از چه ساخته شده است؟

La seĝo estas el ligno. صندلی از چوب ساخته شده است.

(Oni faras seĝon el ligno.)

Kie sidas Ali? علی کجا نشسته است؟

Li sidas sur la seĝo. او روی صندلی نشسته است.

La lernantoj sidas sur benkoj.

دانش آموزان روی نیمکت‌ها نشسته‌اند.

Antaŭ la benko staras pupitro.

در جلو نیمکت میز مطالعه قرار دارد.

Sur la tablo kuŝas kelkaj objektoj.

روی میز چند تا اشیاء قرار دارد.



Li staras kaj legas.

او ایستاده است و کتاب می‌خواند.

Ŝi sidas kaj skribas.

او نشسته است و می‌نویسد.

Kiu legas? کی درس می‌خواند؟

Ali legas. علی درس می‌خواند.

Kion faras Fatima? فاطمه چه می‌کند.

Ŝi skribas. او می‌نویسد.

Ĉu Ali lernas? Jes. آیا علی می‌آموزد؟ درس می‌خواند؟ بلی.

La instruisto instruas nin pri Esperanto.

معلم به ما اسپرانتو می‌آموزد.

Esperanto estas tre facila.

اسپرانتو خیلی آسان است .

Ĉu vi parolas Esperanton?

Ĉu vi komprenas Esperanton?

آیا شما اسپرانتو می‌فهمید ؟

Jes, mi komprenas iomomete.

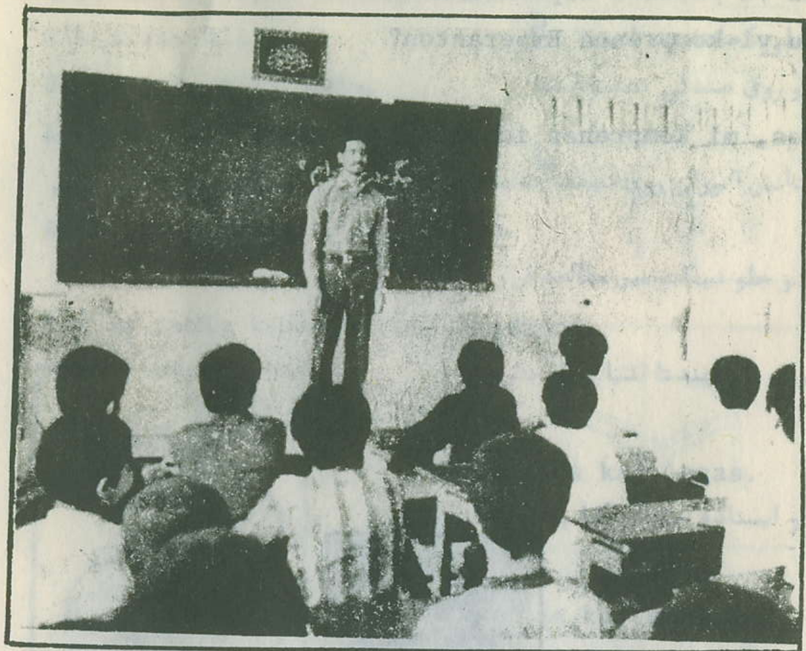
بلی ، من اندکی می‌دانم (می‌فهمم) .



Doktoro L.L. Zamenhof

بنیانگذار زبان اسپرانتو

درس ۵
Leciono 5



Ali ĉiam iras al la lernejo je la oka horo matene.

علی هر صبح همیشه ساعت ۸ به مدرسه می‌رود .

Li iras hejmen je la 13 a horo.

او ساعت ۱۳ به خانه می‌رود .

(revenas al la domo.)

Li iras piede. او پیاده می‌رود .

Mi iras bicikle. من با دوچرخه می‌روم .

Kiam vi revenas el la lernejo?

شما چه وقت از مدرسه برمی‌گردید ؟

je la dua.

در ساعت دو .

La instruisto demandas!

معلم می‌پرسد .

La lernanto respondas!

شاگرد پاسخ می‌دهد .

La demando

پرسش

La respondo

پاسخ

La lernantoj sidas en sia klaso-ĉambro.

شاگردان در کلاس خود نشسته‌اند .

Ni rigardas sur la nigra tabulo bildon.

ما در بالای تخته سیاه تصویری را مشاهده می‌کنیم .

Kie pendas la mapo?

نقشه در کجا آویزان است ؟

La bildo pendas sur la muro.

تصویر روی دیوار آویزان است .

Ankaŭ la mapo pendas sur la muro.

همچنین نقشه روی دیوار آویزان است .

Kion faras lernantoj en la klaso.

شاگردان در کلاس چه می‌کنند ؟

Ili legas, lernas, skribas, desegnas, kantas kaj kalkulas.

ایشان درس می‌خوانند ، می‌آموزند ، می‌نویسند ، نقاشی می‌کنند ، آواز می‌خوانند و حساب می‌کنند .

Ĉu ili havas horaron?

آیا ایشان برنامه هفتگی دارند ؟

jes, kompreneble (nature).

طبیعی (البته که)

La instruisto diras:

معلم می‌گوید ؟

Se vi havus demandojn , atentu, levu vian ~~deks~~-dekstran manon.

هرگاه پرسش هایی داشتید ، دقت کنید ، دست راست خود را بالا کنید .



fingro انگشت

mano دست

dekstra mano دست راست

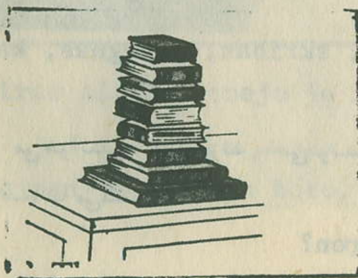
maldekstra mano دست چپ

La instruisto parolas Esperante.

معلم به اسپرانتو سخن می‌گوید .

Prenu viajn librojn.

کتاب های خود را بردارید (بگیرید) .



درس ۶
Leciono 6

Malfermu viajn librojn!
کتاب‌های خود را باز کنید .

Kiu el vi povas legi la paĝon 4.
چه کسی از شما می‌تواند صفحه چهار را بخواند ؟

Ali levas sian manon.
علی دست خود را بالا می‌کند .

Li diras: او می‌گوید :

Se vi permesas, mi komencos legi.
اگر اجازه می‌دهید به خواندن شروع می‌نمایم .

La instruisto: bone legu! آموزگار : خوب بخوانید .
Ali ĝuste legas. علی صحیح می‌خواند .
Sed vi eraris. اما شما اشتباه کردید .
Miaj eraroj estas la plej grandaj.
اما اشتباهات من بزرگتر است .

La sinjoro instruisto. آقا معلم
Li eniras en la klason. او به کلاس وارد (داخل) می‌شود .
Mi petas raporton. گزارش می‌خواهم .
Sinjoro instruisto, mi raportas al vi, ke hodiaŭ ĉeestas 30 gelernantoj, forestas du gelernantoj nome Ali kaj Fatima.

آقای معلم ، گزارش می‌دهم امروز سی نفر دانش آموز پسر و دختر حاضر هستند ، دو نفر غایب بنام‌های علی و فاطمه .

Kial Fatima forestas? چرا فاطمه غایب است ؟

Ĉar ŝi estas malsana.

Ŝi forestas pro malsana.

زیرا که او بیمار است . او به علت بیماری غایب است .

Ĉu kuracisto vizitis ŝin?

آیا پزشک او را عیادت کرده ؟

Mi pensas, jes. — فکر می‌کنم بلی .

Eksidu. — بنشینید .

Pardonu! — ببخشید .

La sonorilo sonas. — زنگ زده شد .

Nun la leciono estas finita.

اکنون درس پایان یافت .

Malfermu, la pordon. — در را باز کنید .

La studhoro finiĝas. — درس تمام شد .

Ekstaru! Ĉiuj eliris el la klaso-ĉambron.

بلند شوید همه از کلاس خارج شوید .

Adiaŭ! — خداحافظ



Leciono 7 درس ۷

La manĝoĉambro اتاق نهارخوری

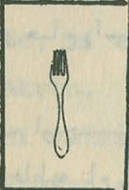




kulero قاشق



tranĉilo کارد



forko چنگال

la patro — پدر
la patrino — مادر
la familio — خانواده
knabo — پسربچه
knabino — دختربچه
geknaboj — پسر و دختربچه
infanoj — بچه‌ها

La tuta familio sidas en la manĝoĉambro.
تمام خانواده در اطاق نهارخوری می‌نشینند.

La familio konsistas el patro, patrino kaj geknaboj.
خانواده متشکل است از پدر، مادر و بچه‌ها.

Ili sidas ĉe la tablo.
ایشان دور میز می‌نشینند.

La patro sidas ĉe la fino de la tablo.
پدر در پایان (آخر) میز نشسته است.

Ĉe la dekstra flanko de la patro sidas la knabino.
در جناح راست پدر دختر نشسته است.

Kio estas ŝia nomo?
اسم او چیست (او چه نام دارد)؟

Ŝia nomo estas Fatima.
او فاطمه نام دارد.

Ĉe la maldekstra flanko sidas la knabo.
به طرف چپ پدر پسربچه نشسته است.

Lia nomo estas Ali.
اسمش علی است.

La patrino staras.
مادر ایستاده است.

Kion faras la patrino? مادر چه می‌کند؟

La patrino portas supujon da supo kaj metas ĝin sur la tablon.

مادر ظرف سوپ را می‌آورد و روی میز می‌گذارد.

La patro prenas supon kaj plenigas la telerojn.

پدر سوپ را می‌گیرد و در پیش دستی‌ها می‌ریزد.

Oni manĝas la supon per kulero.

سوپ با قاشق خورده می‌شود.

Ĉu vi havas apetiton? آیا اشتها دارید؟

Momente, ne. الان نه

Ĉu estas la supo bongusta? آیا سوپ خوشمزه است؟

Jes, ĝi plaĉas al mi. بلی، ازش خوشم می‌آید.

Antaŭ ĉiu persono estas telero, kulero, forko kaj tranĉilo.

مقابل هرکس پیش دستی، قاشق، چنگال و کارد قرار دارد.

Ankaŭ buŝtuko. همچنین دستمال

Ĉu vi estas sata? آیا شما سیر هستید؟

Ne, mi estas malsata. نه، من گرسنه‌ام.

Akvon. آب می‌خواهم.

Mi volas trinki. می‌خواهم بنوشم.

Freŝan akvon. آب تازه

Post la manĝado kolektas la patrino la telerojn kaj kulerojn.

بعد از خوردن ناهار مادر پیش دستی‌ها و قاشق‌ها را جمع می‌کند.

Ŝi portas ilin el la manĝoĉambro en la kuirejon kaj metis ilin sur la tablon.

او (مادر) همه آنها را از اطاق نهارخوری به آشپزخانه برده و روی میز گذاشت .

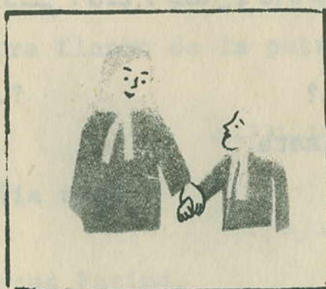
Mia patro estas pli bona ol via patro.

پدر من از پدر شما بهتر است .

Sed, mia patrino estas la plej bona patrino en la tuta mondo.

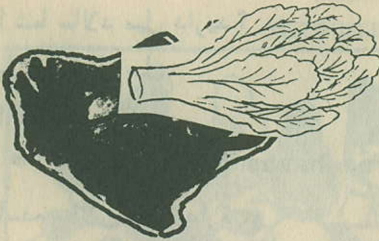
اما مادر من زیباترین مادر روی دنیا است .

granda	بزرگ
pli granda ol	بزرگتر از
plej granda	بزرگترین



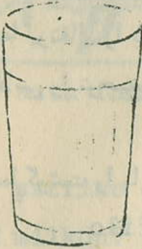
درس ۸

Leciono 8



salato

سالاد



glaso

لیوان



kruĉo

پارچ



pomo

سیب



oranĝo

پرتقال

La lasta parto de la manĝo estas la deserto.
قسمت اخیر غذا دسر است .

Ĉu vi ŝatas salaton? آیا شما سالاد میل دارید ؟

Jes, volonte. بلی ، با کمال میل .

Ĉu vi havas panon? آیا نان دارید ؟

Mi bedaŭras, momente mi ne havas ĝin.
متاسفم ، الان آنرا ندارم .

Ĉu la pomo estas bona frukto? آیا سیب میوه خوبی‌است ؟

Ĉu vi ŝats oranĝon aŭ piron?
آیا شما پرتقال را دوست دارید یا گلابی را؟

Mi preferas piron. من گلابی را ترجیح می‌دهم .

Ĉu vi manĝas la viandon per mano?
آیا شما گوشت را با دست می‌خورید ؟

Ne, mi mangas ĝin per forko kaj tranĉilo.
نه، من آنرا با چنگال و کارد می‌خورم .

Ĉu vi ŝatas manĝi en restoracio?
آیا دوست دارید که در رستوران غذا بخورید ؟

Kie estas eleganta restoracio?
آیا رستوران آبرومند کجا می‌باشد ؟

Ĝi estas proksima. نزدیک است .

Mi kaj vi ambaŭ iras tien. هردوی ما به آنجا می‌رویم .

درس ۹

Leciono 9

Matenmanĝo صبحانه



La tuta familio sidas ĉirkaŭ la tablo.

همه خانواده گرد میز نشسته‌اند .

La patrino demandas: Ali, ĉu vi ŝatas trinki teon aŭ milkon?

مادر می‌پرسد : علی ، آیا تو چائی میل داری یا شیر ؟

Ali diras: Panjo, mi preferas milkon.

علی می‌گوید : مامان جان ، من شیر را ترجیح می‌دهم .

Bonvolu, verŝi en la tason milkon.

لطفا" در فنجان شیر بریزید .

Ĉu vi trinkas teon, kafon kun sukero?

آیا شما چائی ، قهوه را با قند می‌نوشید ؟

Jes, mi trinkas ĝin kun sukero.

بلی من آن را با قند می‌نوشم .

Fatima ŝatas trinki kafon sen sukero.

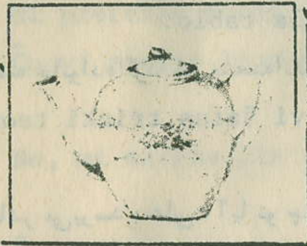
فاطمه قهوه بدون قند را دوست دارد می‌نوشد.



taso



glaso



teokruĉo



sukerujo

Ĉu estas kafo sen sukero dolĉa?

آیا قهوه بدون قند شیرین است؟

Ne,

نی،

La geknaboj ŝatas kukojn kaj manĝas multajn.

بچه‌ها شیرینی را دوست دارند و آن را زیاد می‌خورند .

Mi ne ŝatas malvarman teon. من چای سرد را دوست ندارم .

Ĉu estas via lakto varma? آیا شیر شما گرم است ؟

Jes, ĝi devas esti varma. بلی ، باید گرم باشد .

Mi preferas fortan kaj varman teon kun sukero.

من چائی پررنگ با قند را ترجیح می‌دهم .

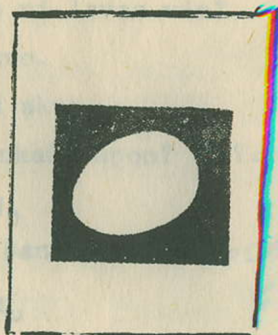
La patro ŝatas kafon kun kremo.

پدر قهوه با خامه را دوست دارد .

Mi estas tre laca. من خیلی خسته‌ام .

Mi volas milkon kun sukero. من شیر با قند می‌خواهم .

Kaj ovon. و تخم مرغ .



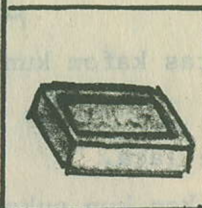
ovo

تخم مرغ

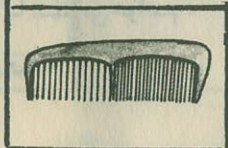
درس ۱۰
Leciono 10

Banĉambro حمام





sapo صابون



kombilo شانه

speglulo آئینه

viŝtuko حوله

banujo وان حمام

lavujo دستشوئی

necesujo توالت

dentopasto خمیر دندان

broso مسواک

Inter la ĉambroj de la infanoj estas la banĉambro.

بین اتاق‌های بچه حمام قرار دارد .

En la banĉambro estas banujo kie la familio banas

در اتاق حمام وان وجود دارد که خانواده خود را می‌شویند ،حمام می‌کنند .

En la lavujo mi lavas miajn manojn kun sapo.

در دستشوئی من دستهای خود را با صابون می‌شویم .

Apud la banujo estas la lavujo.

پهلوی وان دستشوئی قرار دارد .

En la banujo ni lavas la tutan korpon.

در وان ما تمام بدن را شستشو می‌دهیم .

Sur la hoko pendas la viŝtuko. سر چنگک حوله آویزان است .

Ni prenas viŝtukon kaj viŝas per ĝi la korpon.

ما حوله را برمی‌داریم و با آن بدن را خشک می‌کنیم .

Per kia akvo vi lavas vin? با چگونه آب غسل می‌کنید ؟

Per varma akvo. با آب گرم .

Per malvarma akvo. با آب سرد .

Ĉu uzas vi ankaŭ sapon? آیا از صابون هم استفاده می‌کنید ؟

Nature! طبیعی ، البته !

Ĉu vi havas banĉambron en via loĝejo?

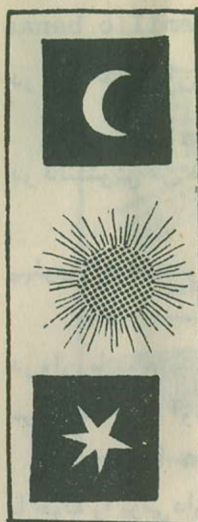
آیا شما در منزلتان حمام دارید ؟

Jes. بلی .

Li duŝas sin ĉiumatene. او هر صبح دوش می‌گیرد .

درس ۱۱

Leciono 11



Kie estas la luno? ماه کجاست؟

La luno estas sur la ĉielo. ماه در آسمان است.

Ankaŭ la suno kaj steloj estas sur la ĉielo.

همچنین آفتاب و ستارگان در آسمان هستند.

nokto شب

tago روز

Kio brilas dum la nokto? در شب چه می‌درخشد؟

la luno kaj la steloj. ماه و ستارگان.

Kion brilas dum la tago? در روز چه می‌درخشد (می‌تابد)؟

la suno آفتاب

La suno leviĝas. آفتاب طلوع می‌کند.

Sunsubiras. غروب می‌کند.

Unu semajno havas sep tagojn. یک هفته هفت روز دارد.

Jen la nomoj de la sep tagoj de la semajno:

این است نام‌های ایام هفته :

sabato شنبه

dimanĉo یکشنبه

lundo دوشنبه

mardo سه‌شنبه

merkredo چهارشنبه

ĵaudo پنجشنبه

vendredo جمعه

hodiaŭ امروز

~~Kia~~ (kiu) tago estas hodiaŭ? امروز چه روزی است ؟

Hodiaŭ estas lundo. امروز دوشنبه است .

Hieraŭ estis dimanĉo. دیروز یکشنبه بود .

Morgaŭ estos mardo. فردا سه‌شنبه خواهد بود .

Dum la ripoztagoj, kutime vendrede, oni ripozas.

در ایام تعطیل معمولاً" روز جمعه مردم استراحت می‌کنند .

Kiom de monatoj havas unu jaro. (do)

یک سال چند ماه (برج) دارد .

ĝi havas dek du monatojn. دوازده ماه دارد .

(en la jaro estas 12 monatoj.)

Januaro estas la unua (1'a) monato de la jaro.

جنوری اولین ماه سال است .

Poste venas februaro. بعداً" فروری می‌آید .

la tria (3'a) marto. سوم مارچ

la kvara (4'a) aprilo. چهارم اپریل

la kvina (5'a) majo. پنجم می

la sesa (6'a) junio. ششم جون

la sepa (7'a) julio. هفتم جولای

la oka (8'a) aŭgusto. هشتم اگست

la naŭa (9'a) septembro. نهم سپتامبر

la deka (10'a) oktobro. دهم اکتوبر

la dekunua (11'a) novembro. یازدهم نوامبر

la dekdua (12'a) decembro. دوازدهم دسامبر (ماه آخر)

(la lasta)

Kiu dato estas hodiaŭ? امروز چندم برج است؟

Kioma tago estas hodiaŭ?

hodiaŭ estas la 23 III 1985.

(la dudektria de marto mil naŭcent okdekkvin.)

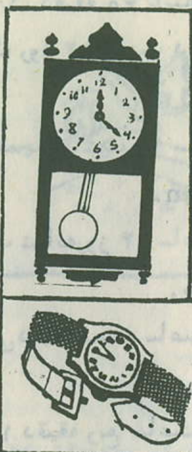
امروز مورخ بیست و سوم ماه مارچ ۱۹۸۵ است.

la antaŭa monato. ماه پیش



درس ۱۲
Leciono 12

tempo وقت ، زمان



murhorloĝo

ساعت دیواری

brakhorloĝo

ساعت مچی

Kioma horo estas?

(Kioma horo estas sur la horloĝo?) ساعت چند است؟

estas kvara horo. ساعت چهار است.

estas dekdua horo. ساعت ۱۲ است.

estas duono post la kvina. ساعت پنج و نیم است.

Tio estas vekhorloĝo. آن ساعت شماطه است.

ĝi havas du montrilojn. آن دو عقربه دارد.

Unu estas longa. یکی آن بلند و دراز است.

La alia estas mallonga. دیگری کوتاه است.

La longa montras la minutojn.

عقربه دراز دقیقه را نشان می‌دهد.

Kaj la mallonga montras la horojn.

و عقربه کوچک ساعت را نشان می‌دهد.

Unu horo havas sesdek minutojn.. یک ساعت ۶۰ دقیقه دارد

Kaj unu minuto havas sesdek sekundojn.

و یک دقیقه ۶۰ ثانیه دارد.

Unu tago havas dekdu horojn. یک روز ۱۲ ساعت دارد.

Ankaû la nokto havas dekdu horojn.

وهمچنین شب ۱۲ ساعت دارد.

Unu tag-nokto havas dudek kvar horojn.

یک شبانه‌روز ۲۴ ساعت دارد.

Tridek (30) minutoj estas duona horo.

سی دقیقه نصف ساعت است.

Dek kvin minutoj estas kvarona horo.

۱۵ دقیقه ربع ساعت است.

Ali, kioma horo estas nun? علی، الان ساعت چیه؟

estas kvarono post la kvina. ساعت پنج و ربع است.

estas kvarono antaû la kvina.

ساعت یک ربع کم از پنج است.

estas kvin minutoj antaû la kvina.

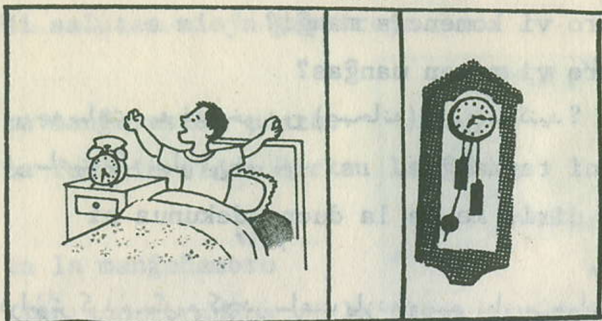
ساعت چهار و پنجاه وپنج است یا ۵ دقیقه به پنج است.

estas dudek minutoj post la kvina.

ساعت ۵ و ۲۰ دقیقه است.

درس ۱۳

Leciono 13



Ali diras al lia patrino: علی به مادرش می‌گوید :

Panjo, bonvolu veki min je la kvara.

مامان ، لطفا" ساعت ۴ مرا از خواب بیدار کنید .

Kioma horo estas? ساعت چیه ؟

Pardonu min, مرا ببخشید ،

Ke mi ne scias. که نمی‌دانم .

Ĉu via horloĝo estas ĝusta? آیا ساعت شما صحیح است ؟

ĝi funkcias ne precize. دقیقا" (صحیح) کار نمی‌کند .

jen rapidas. گاهی تند است .

jen malrapidas. گاهی کند است .

eĉ ĝi haltis nun. حتی الان ایستاده است .

Ĉar mi forgesis ĝin streĉi. زیرا فراموش کردم کوکش کنم .

Bonvolu streĉi la murhorloĝon.

لطفا" ساعت دیواری را کوک کنید .

Bonvolu streĉi la vekhorloĝon.

لطفا" ساعت شماطه را کوک کنید .

Je kioma horo vi komencis manĝi?

Je kioma horo vi maten manĝas?

در چه ساعتی به غذا خوردن (صبحانه) شروع می‌کنید ؟

Je la unua ni tagmanĝas. در ساعت یک نهار می‌خوریم .

Mi forgesis diri, ke je la duono dekunua ni preĝas.

فراموش‌کردم بگویم که در ساعت یازده و نیم نماز می‌خوانیم .

Je la dekkvara mi denove devas esti en la lernejo.

در ساعت چهارده دوباره باید در مدرسه باشیم .

Je la dekkvara kaj dekkvin minuto (kvarono post la dua) komencas la lernado.

در ساعت دو و ربع دروس شروع می‌شود .

Je la kvara mi finas la lernadon.

در ساعت چهار به درس خاتمه می‌دهیم .

Je la kvara kaj dudek minutoj ni komencas ludi futbalon.

در ساعت چهار و بیست دقیقه بازی فوتبال شروع می‌شود .

Je la sepa mi maten manĝas. در ساعت ۷ صبحانه می‌خورم .

Je la kvara mi vekiĝas. در ساعت چهار بیدار می‌شوم .

Je la kvara kaj duono mi preĝas.

در ساعت چهار و نیم نماز می‌خوانم .

Post la matenmanĝo mi ekiras en la lernejon.

بعد از صبحانه به مدرسه می‌روم .

Je la dekdua mi hejmenvenas.

ساعت ۱۲ به خانه می‌آیم .

Mi salutas miajn gepatrojn.

به پدر و مادرم سلام می‌دهم .

La manĝo estas preta.

نهار حاضر است .

La familio sidas ĉirkaŭ la tablo.

خانواده دور میز می‌نشینند .

en la manĝoĉambro

در اطاق غذاخوری

Kian sportbranĉon vi la pleje preferas?

کدام رشته ورزش را بیشتر ترجیح می‌دهید ؟

La futbalon.

فوتبال را



pilko — توپ

golejo — دروازه

golulo — دروازه‌بان

Je la sepa mi hejmenvenas.

در ساعت ۷ به منزل می‌آیم .

Je la 10 minutoj post sepa (somere) preĝas.

در ساعت ۷ و ده دقیقه (در فصل تابستان) نماز می‌خوانیم .

Je la oka mi (ni) vespermanĝas.

در ساعت ۸ شام می‌خورم (ما می‌خوریم) .

Je la okaduono ni aŭskultas radion aŭ rigardas – la televid-prezentadon. (programon)

ساعت ۸ و ۳۰ دقیقه رادیو می‌شنویم و یا برنامه تلویزیون را تماشا می‌کنیم .





Ankaŭ ni refoje trarigardas la lecionojn.

همچنین یکبار دیگر دروس خود را مرور می‌کنیم .

Je la duono post la naŭa ni enlitiĝas, dormas.

در ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه به بستر رفته می‌خوابیم .

Belan sonĝon.

خواب خوش !

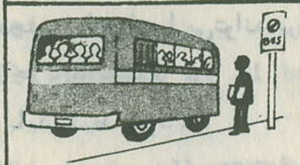


Leciono 14 درس ۱۴

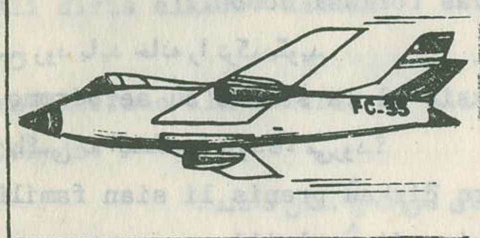
Vojaĝo مسافرت



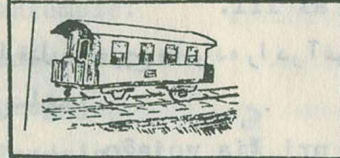
taksio تاکسی



aûtobuso اتوبوس



aviadilo هواپیما



trajno قطار

Ahmad havas longan ferion.

احمد تعطیلی دوامدار دارد.

Li volas vojaĝi al Teherano.

او می‌خواهد به تهران مسافرت کند.

Li povas veturi per aŭtobuso aŭ trajno.

او می‌تواند با اتوبوس یا قطار برود.

Ankaŭ li povas flugi per aviadilo.

همچنین با هواپیما می‌تواند پرواز کند.

Kion li devas fari?

او چه باید بکند؟

Li devas aĉeti bileton.

او باید بلیط بخرد.

Frue matene li devas forlasi domon.

صبح زود باید خانه را ترک بگوید.

Li veturas per taksio al la stacio aŭ aerodromo.

با تاکسی به ایستگاه یا فرودگاه می‌رود؟

Sed antaŭ lia ekiro ĉirkaŭ prenis li sian familion kaj per kisojn diris adiaŭ al ili.

اما قبل از خروج خانواده را در آغوش گرفته با بوسه‌ها ازایشان خداحافظی می‌نماید.

Ahmad estis tre entuziasma pri lia vojaĝo.

احمد مشتاق این مسافرت بود.

La vojo inter Maŝad kaj Teherano estas 900 Kilometrojn longa.

فاصله یا مسافت بین مشهد و تهران نهصد کیلومتر است.

Ahmad preferas flugon.

احمد پرواز را ترجیح می‌دهد.

Sed mi preferas vojaĝon per aŭtobuso.

اما من مسافرت با اتوبوس را ترجیح می‌دهم.

Ĉu la loko estas libera aŭ okupita?

آیا اینجا خالی است یا اشغال شده؟

en aerodromo atendis lin du viroj.

در فرودگاه دو مرد انتظار او را داشتند .

Ili estas liaj parencoj. ایشان خویشاوندان او بودند .

nome یعنی

la onklo عمو

kaj , kuzo پسرعمو

Ili donacis al li bukedon.

ایشان به او دسته گلی تقدیم کردند .

Ali diris elkore: dankon

علی از صمیم قلب تشکر کرد .

en Teherano ili montris al Ali multajn konatajn lokojn.

در تهران ایشان به علی جاهای معروف را نشان دادند .

ekzemple: مثلاً :

universitato دانشگاه

preĝejoj مساجد

lernejoj آموزشگاهها

malsanulejoj بیمارستانها

muzeoj موزه‌ها

teatroj تئاترها

kinejoj سینماها

Ĉio estas vidinda. همه دیدنی است !

Tro rapide pasis la tempo.

وقت خیلی به سرعت سپری شد .

Ĉio tio estas la fino de lia vojaĝo.

این است پایان مسافرت او !

ĝis revido! به امید دیدار !

Eksterlanda vojaĝo

مسافرت به خارج کشور

Mi volas vojaĝi al Turkio.

من می‌خواهم به ترکیه مسافرت کنم .

Mi preferas aŭtobuson. من اتوبوس را ترجیح می‌دهم .

Ĉar mi estas turisto. زیرا من توریست هستم .

Ankaŭ mi komprenas la turkan lingvon.

همچنین من زبان ترکی را می‌دانم .

en nia urbo estas turisma oficejo.

در شهر ما دفتر جهانگردی موجود است .

Ili povas helpi min kiel gvidanto.

ایشان می‌توانند به عنوان راهنما به من کمک نمایند .

en nia lando estas turka konsulejo (ambasado).

درکشور ما کنسولگری (سفارت) ترکیه موجود است .

mi devas havi pasporton.

من باید گذرنامه داشته باشم .

mia pasporto estas valida.

گذرنامه‌ام اعتبار دارد .

mi estas ordinara turisto.

من توریست عادی هستم .

La oficisto diras, tujestos la vizoj en ordo.

کارمند می‌گوید، فورا" ویزا داده می‌شود.

Ĉe la turka landlimo ni devis skribi multajn paperojn.

نزدیک مرز ترکیه باید ما فورم‌هایی را پر کنیم.

La kontrolistoj devas suspekti ĉiujn eksterlan danojn.

بازرس باید تمام مسافرین خارجی را بازدید کند.

Tiam ni alvenis al Ankara la ĉefurbo de Turkio.

آنگاه ما به آنکارا پایتخت ترکیه رسیدیم.

Respubliko جمهوری

Sur la konstruaĵoj mi vidis flagojn.

روی ساختمانها پرچم‌هایی دیدیم.

La turkan flagon. پرچم ترکیه را،



luno ماه

stelo ستاره

stango میله بیرق

La flago fliritas. پرچم در اهتزاز است.

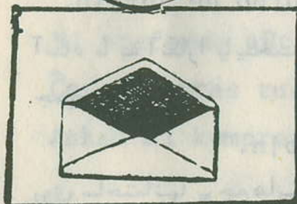
درس ۱۵

Leciono 15



poŝtmarko

تمبر پست



koverto

پاکت



Mi skribas leteron.

من نامه می‌نویسم .

Mi sendas ĝin al mia kuzo.

آن را به پسرعمویم می‌فرستم .

La nomo de mia kuzo estas Amir.

اسم پسرعمویم امیر است .

Sinjoro Amiro.

آقای امیر

Li loĝas en Teherano.

او در تهران زندگی می‌کند .

En la fino de letero mi sikribas: kore salutas.

در پایان نامه می‌نویسم : با عرض سلام .

Mi komenas la leteron per je la nomo de Dio.

نامه را با بسمه‌تعالی شروع می‌کنم .

aŭ

یا

kara mia — عزیز من

aû — یا

mia kara Samideano. — هم‌آرمان عزیز

aû — یا

estimata — جناب محترم

Sinjoro — آقا

Sinjorino — خانم



poŝtoficejo — پستخانه

bildkarto — کارت پستال

Ali metis la leteron en koverton.

علی نامه را در پاکت گذاشت .

Li gluis poŝtmarkon sur la koverton.

او روی پاکت تمبر نصب کرد .

Sur la koverton li skribis la adreson de ŝia kuzo.

روی پاکت نشانی پسرعموی خود را نوشت .

Li portis la leteron al la poŝtoficejo.

او نامه را به پستخانه برد .

aû — یا

Li ĵetis la leteron en poŝtokeston.

نامه را به صندوق پست انداخت .

Mi kolektas poŝtmarkojn.

من تمبر پستی جمع‌آوری می‌کنم .

filatilisto — تمبر جمع‌کن

Li sendis ĝin al Teherano. او آن را به تهران فرستاد .

Post 10 tagojn venis la respondo.

بعد از ده روز جوابش آمد .

La kuzo invitas Ahmad viziti Tehranon.

پسرعمو احمد را دعوت نمود که از تهران دیدن نماید .

Ahmad akceptis kun danko la inviton.

احمد دعوت را با تشکر قبول نمود (پذیرفت) .

---

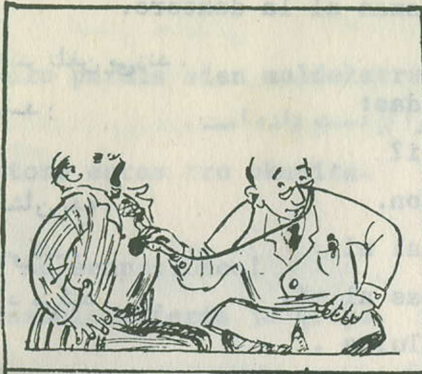
*

ESPERANTO

* ESTAS VIVA LINGVO! *

*

درس ۱۶
Leciono 16



Kuracisto
پزشک



enlitiĝita malsanulo
بیمار بستری



malsanulejo
بیمارستان



ambulanco
آمبولانس

Mi estas malsana. حالم خوب نیست .

Mi devas esti en la lito. Mi devas resti.

Mi laciĝis. من باید استراحت کنم ، خسته‌ام .

Mia patro telefonas al la doktoro.

پدرم به دکتر تلفن می‌زند .

La doktoro demandas: دکتر می‌پرسد :

Kie doloras al vi? چته ؟

Montru vian langon. زبانت را نشان بده .

La kapo doloras al mi. سرم درد می‌کند .

La stomako doloras al mi. معده‌ام درد می‌کند .

La pulso bato pululas .

ضربان نبض سریع شده است (زیاد می‌زند) .

Kio okazis al vi? شما را چه شده ؟

Ahmad kuŝis pala kaj senkonscia.

احمد رنگ پریده و بی‌هوش روی تخت قرار گرفته بود .

La patro portis lin en la ambulanco kaj rapide veturis al la hospitalo.

پدر او را با آمبولانس به سرعت به بیمارستان انتقال داد .

La kuracisto vizitis lin. پزشک او را معاینه کرد .

Li diris: la afero ne estas grava.

او گفت : مهم نیست .

Li baldaŭ vekiĝos. او بزودی به هوش می‌آید .

Lia maldekstra kruro rompiĝis.

ساق پای چپ او شکسته است .

Kiu estas kulpa? مقصر کیست ؟

mi suferas de doloro. از درد رنج می‌برم .

Kiom de gradoj estas la febro?

چند درجه تب دارد؟

Mallaŭte la kuracisto diris al mi:

دکتر آهسته به من گفت :

La junulo perdis sian maldekstran kruron.

جوان ساق پای چپ خود را از دست داده است .

La doktoro estas tro okupita.

دکتر زیاد مشغول است .

do, vi ne senpacienĉu!

پس بی‌صبر نباشید !

La malsanulo suferas ĉe gripo.

بیمار از گریپ رنج می‌کشد .

La flegistino mezuras la temperaturon.

پرستار درجه حرارت را اندازه می‌گیرد .

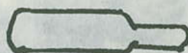
Kie estas la laboratorio?

آزمایشگاه کجاست ؟



injektilo

سرنگ



ampolo

آمپول

La doktoro diras al la flegistino:

دکتر به خانم پرستار می‌گوید :

Injektu la duonon de la ampolo en la muskolon!

نصف آمپول را در عضله تزریق کنید .

injekto — تزریق

envejna injekto de kalcio. — تزریق کلسیم در ورید .

subhaûta injekto — تزریق زیر پوست .

transfuzo — تزریق خون از انسانی به انسانی

Ĉu vi povas kuraci min (mian in fanon?)

آیا مرا (بچه مرا) می‌توانید معالجه کنید ؟

Mi estas ĥirurgo. — من جراح هستم .

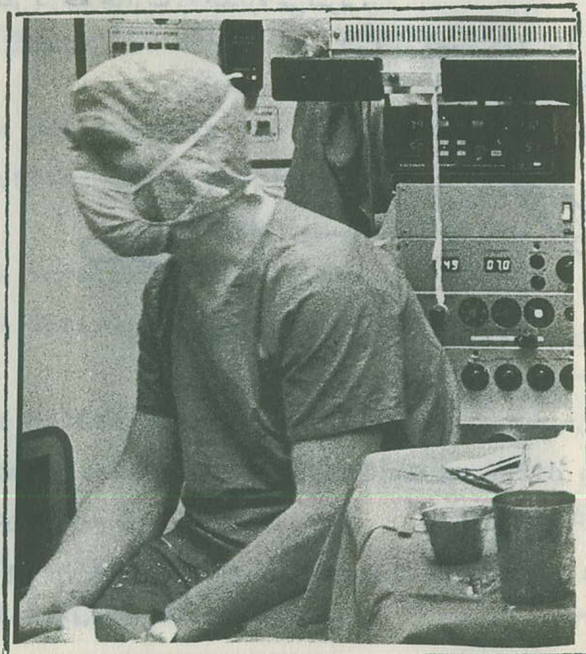
Ĉu vi havas vundon? — آیا جراحتی دارید ؟

Mi kuracos vin per la operacio.

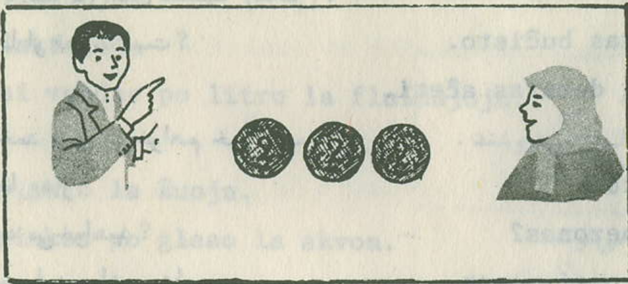
من شما را با عمل جراحی معالجه می‌کنم .

La ĥirurgo faras ĉiutage operacion.

جراح هر روز عمل می‌کند .



درس ۱۷
Leciono 17
Aĉetado خرید



La patrino sendis Ahmadon aĉeti.

مادر احمد را برای خرید فرستاد .

Ŝi diras al li: او (مادر) به او (احمد) می‌گوید :

Prenu pecon da papero kaj krajonon kaj skribu!

کاغذ ریزه با مداد گرفته بنویس !

Bonvolu dikti. لطفاً دیکته کنید .

Ŝi notis. او یادداشت کرد .

fruktojn: میوه‌جات :

pomon aŭ piron سیب یا گلابی

duonlitron da oleo روغن نصف لیتر .

kilogramon da viando یک کیلوگرم گوشت .

kalbaso کالباس

5 pecojn da bulkoj پنج قرص نان

La patrino donas al li monon.

مادر به او پول می‌دهد .

Kie estas la butiko? مغازه کجاست ؟

Sur la vendoplaco. در بازار

Ĉu vi estas bakisto?

آیا شما نان بای هستید (شاطر) ؟

Ĉu li estas buĉisto. آیا او قصاب است ؟

Ahmad: mi deziras aĉeti.

احمد : من می‌خواهم خرید کنم .

Komercisto: مغازه‌دار :

Kion vi bezonas? چه می‌خواهید ؟

Mi devas pagi monon. من باید پول بپردازم .

La sinjoro vendas. آقا می‌فروشد .

Ahmado aĉetas. احمد می‌خرد .

Kom kostas kilogramo da viando.

قیمت یک کیلوگرم گوشت چند است (چقدر است) ؟

ĝi kostas 1000 Rialojn.

ĝia prezo estas 1000 Rialoj. هزار ریال

ĝi estas tro ~~kara~~. خیلی گران است .

La prezoj estas alta. قیمت‌ها بالا رفته است .

fiksa prezo قیمت مقطوع

La viando estas du kilogramojn peza.

وزن گوشت دو کیلوگرم است .

Oni vendas la ŝtofon, tolon kaj silkon po metroj.

پارچه ، کتان و ابریشم را با متر می‌فروشند .

Oni vendas po kilogramoj la fruktojn.

میوه‌جات را به کیلوگرم می‌فروشند .

Oni vendas po kilogramoj la legomojn.

سبزیجات را به کیلوگرم می‌فروشند .

-spicojn ادویه

-viandoĵon گوشت

-laktaĵojn لبنیات

Oni vendas po litro la fluidaĵojn.

مایعات را به لیتر می‌فروشند .

Po paro la ŝuojn. جفت کفش

Trinkas po glaso la akvon. با لیوان آب می‌نوشند .

Po taso la teon. با فنجان چای می‌نوشند .

-kafon قهوه را

-lakton شیر را

Oni prenas po kulero kuracilon.

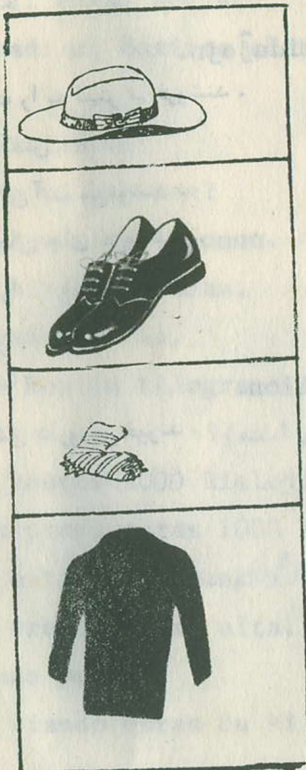
با قاشق دارو می‌خورند .



درس ۱۸

Leciono 18

Vestoj البسه



ĉapelo کلاه

ŝuo کفش

ŝtrumpo جوراب

jako کت

La ĉapo kovras la kapon. کلاه سر را می‌پوشاند .

Mi pendigas la ĉapon sur la hokon.

من کلاه را روی جالباسی آویزان می‌کنم .

La pantolo havas poŝojn. شلوار کیسه‌ها دارد .

Ĉu vi volas sur meti vian blankon ĉemizon.

آیا می‌خواهی پیراهن سفید خود را بپوشی ؟

Kia estas la koloro de ŝia bluzo?

بلوز آن دختر چه رنگ دارد ؟

Ŝia jupo estas blua. دامن او آبی است .

Ahmad revenas al sia ĉambro.

احمد به اتاق خود می‌آید .

Li volas vesti sin per ŝtrumpoj , ŝuoj, pantolono kaj ĉemizo.

او می‌خواهد جورابها ، کفش‌ها ، شلوار و کت خود را بپوشد .

Miaj ŝuoj ne estas puraj.

کفش های من تمیز نیست .

Mi ne volas porti ilin.

من نمی‌خواهم آن را بپوشم .

Faru viajn ŝuojn puraj.

کفش‌های خود را تمیز بکنید !

Panjo! Miaj ŝtrumpoj havas truojn.

مامان ، جورابهای من سوراخ دارد .

Mi petas vin, ŝtopu ilin.

خواهش می‌کنم آن را رفو کنید .

Mia pantolono estas malnova.

شلوار من کهنه است .

Mi volas aĉeti novan pantalonon.
می‌خواهم شلوار تازه بخرم .



bluzo بلوز

jupo دامن



kalkanumo پاشنه

La bluzo kaj jupo estas la vestoj de la knabinoj.
بلوز و دامن البسه دختربچه‌هاست .

La kalkanumo estas tre longa.
پاشنه خیلی دراز و بلند است .

Tio robo kaj mantelo estas plej elagantaj.
آن پیراهن و پالتو خیلی قشنگ است .

La koloro de ŝia mantilo estas nigra.
رنگ روسری او مشکی است .

Mi volas aĉeti pluvmantelon.
من می‌خواهم پالتوی بارانی بخرم .

Nia instruistino portas okulvitrojn.
خانم معلم ما عینک می‌زند .



vesto

جليقه



okulvitroj

عینک

kravato

کراوات

kolumo

یقه

Mi ne ŝatas porti kravaton.

من کراوات را دوست ندارم .

Ĉu vi ŝatas ĝin?

آیا شما آن را دوست دارید ؟

Miaj vestoj pendas sur la hako.

البسه من در جالباسی آویزان است .

Aŭ kuŝas en la vesta ŝranko.

یا در کمد قرار دارد .

Je la sepa horo mi vestas min per vestaĵo.

راس ساعت ۷ من لباسهای خود را می‌پوشم .

La kitelo de kuracisto estas blanka.

روپوش پزشک سفید است .

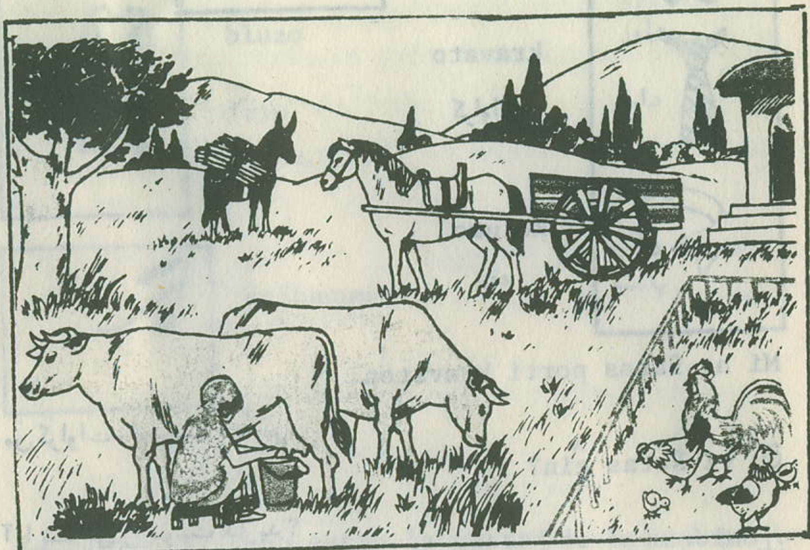
Ĉi tie estas preĝejo.

اینجا مسجد است .

Detiru viajn ŝuojn de la piedoj.

کفش خود را از پا بکشید .

درس ۱۹
Leciono 19



Nasirabad ne estas urbo sed vilaĝo.

نصرآباد شهر نیست، بلکه روستاست.

La vilaĝo estas ekster la nia urbo.

روستا در خارج شهرها قرار دارد.

Ĝi estas dudek kilometrojn norde de nia urbo.

بیست کیلومتر در سمت شمال شهرستان ما قرار دارد.

Mia onklo loĝas en la vilaĝo.

عمویم در روستا زندگی می‌کند.

Li estas unu el la vilaĝanoj.

او یک تن از روستایان است.

Li havas bienon.

او زمین (ملک) دارد.

Li estas bienulo.
او ملاک است .

Ĉi tie estas liaj kampoj.
آنجا مزرعه اوست .

Sur la kampoj kreskas herbo.
در مزرعه علف و گیاه می‌روید .

Ĝin manĝas la bovinoj.
آن را گاوها می‌خورند .

La edzino de onklo melkas la bovon.
خانم عمو شیر گاو را می‌دوشد .

La bovoj donas al ni lakton.
گاوها به ما شیر می‌دهد .

Kiam estas la monato de la gren-rikolto.
آیا ماه درو غلات چه وقت می‌باشد ؟

Skribu la nomojn de la grenoj:
اسمهای غلات را بنویسید :

tritiko
گندم

sekalo
جودر

hordeo
جو

aveno
جو سیاه

Jen kelkaj legomoj:
این است بعضی سبزیجات :

rapo
شلغم

karoto
هویج

terpomo
سیب زمینی

Sur la bildo vi vidas jenajn.
در تصویر این چیزها را می‌بینید .

dometo
کلبه

ĉevalo اسب
bovo گاو
ŝafo گوسفند
koko خروس
kokido جوجه خروس
kokino ماکیان
hundo سگ
arbo درخت
monto کوه
sitelo سطل

Nun oni ne plu melkas per la manoj, sed per ma maŝinoj.
نه تنها با دست بلکه با دستگاه شیر می‌دوشند .

La kokino donas al ni ovojn.
ماکیان به ما تخم می‌دهد .

Mia onklo havas ankaŭ traktorojn.
عمویم همچنین تراکتور دارد .

En la vintro ne ekzistas verda herbo.
در زمستان علوفه تازه وجود ندارد .

Tiam la bovinoj manĝas rapojn kaj sekan herbon.
آنگاه گاوها شلغم و یونجه می‌خورند .

درس ۲۰
Leciono 20



Kiu estas sur la bildo? روی تصویر کیست؟

Li estas la aûtoro de Esperanto.

او بنیانگذار یا مولف اسپرانتوست.

Kio estas lia nomo? اسم او چیست؟

Lia nomo estas Ludoviko Lazaro Zamenhof.

اسم او لودویکو لازارو زامنهوف است.

Kiam naskiĝis li.

او چه وقت (کی) متولد شده است؟

Li naskiĝis la 15- an de decembro, 1859.

او به تاریخ پانزدهم دسامبر ۱۸۵۹ متولد شده است.

Kie naskiĝis Zamenhof.

در کجا متولد شده است؟

Li naskiĝis en la pola urbo Bjalistoko.

او در شهر بیالیستیک لهستان بدنیا آمده است.

En sia klaso li estis la plej lerta lernanto.

در کلاس خود فعالترین شاگردبوده است.

Speciale lingvojn li energie studis.

بویژه با انرژی و مهارت زیاد زبان‌ها را تحصیل می‌کرد.

Jam frue li konis la latinan, grekan, rusan, polan, francan, germanan kaj anglan lingvojn.

قبلا" او به زبانهای لاتین، یونانی، روسی، پولندی، فرانسوی، آلمانی و انگلیسی آشنائی داشته است.

En 1873, 14 - jara Zamenhof iris al Varsovio, la ĉefurbo de Polujo - kun sia gepatroj kaj gefratoj.

در سال ۱۸۷۳ زامنهوف در حالی که ۱۴ سال داشت به معیت پدر و مادر و خواهر و برادر خود به ورشو پایتخت لهستان مسافرت کرد (راهی وارشو شد).

Tie vizitis li la gimnazion.

آنجا به دبیرستان رفت.

En 1878, kiam Zamenhof estis en la lasta klaso de la gimnazio, lia lingvo estis pli - malpli preta.

در سال ۱۸۷۸ موقعی که زامنهوف در آخرین کلاس دبیرستان بود زبان نوبنیاد او کم‌کم آماده و مهیا شده بود.

En la jaro 1887 li eldonis la unuan lernolibron kiel juna kuracisto.

در سال ۱۸۸۷ در حالی که پزشک جوان بود اولین کتاب درسی خود را به چاپ رسانید.

Kio li nomis ĝin?

نام آن را چه گذاشت؟

La internacian lingvon.

زبان بین المللی (جهانی)

nome — یعنی

Esperanto — اسپرانتو

esperante — امیدوار

Post kvarjara studado en la universitato de Varsovio Zamenhof ricevis sian diplomon kiel kuracisto.

بعد از انقضای چهار سال تحصیل از دانشگاه وارشو دیپلم خود را در شته پزشکی اخذ کرد.

Poste, li vojaĝis al Vieno.

بعدا" به ویانا مسافرت کرد.

Tie decidis fariĝi okulkuracisto.

آنجا تصمیم گرفت چشم پزشک شود.

Post unujara studado li revenis al Vorsovio kiel specialisto pri okulmalsanoj.

بعد از یک سال تحصیل دوباره به وارشو به عنوان چشم پزشک بازگشت.

En 1887 li fianĉiĝis al Klara Zilbernik.

در سال ۱۸۸۷ با دوشیزه کلارا نامزد شد.

En la somero de tiu jaro ili geedziĝis.

در تابستان همان سال ازدواج کردند.

Zamenhof havis kormalsanon.

زامنهوف دچار بیماری قلب بود.

La 14'an de aprilo 1917 lia koro ĉesis bati.

در ۱۴ اپریل ۱۹۱۷ قلب او از طپش ایستاد.

Li forpasis. — او بدرود زندگی گفت.

Sed lia granda ideo vivas.

اما اندیشه بزرگ او جاویدان است.

حساب

Kalkulado

La bazaj numeraloj اعداد اصلی

unu	یک	du	دو
tri	سه	kvar	چهار
kvin	پنج	ses	شش
sep	هفت	ok	هشت
naŭ	نه	dek	ده
dekunu	یازده	dekdu	دوازده
dudek	بیست	dudek unu	بیست و یک
cent	یکصد	ducent	دویست
mil	هزار	dumil	دوهزار
la miliono	میلیون		

Unu estas nombro. یک عدد است .

Mi nombras. من شمارش می‌کنم .

de 1 ĝis 3 از یک تا سه

1, 2, 3 یک ، دو ، سه

Sur la muro estas 4 belaj bildoj.

روی دیوار چهار تصویر زیباست .

Hodiaŭ ni lernos ankaŭ kallkuli en Esperanto.

امروز همچنین حساب کردن را به اسپرانتو می‌آموزم .

Kvin plus du estas sep. ۵ + ۲ = ۷

Tri minus unu estas du. rezulto estas du. ۳ – ۱ = ۲

Sesoble du estas dekdu. ۶ × ۲ = ۱۲

Kvar per du estas du. ۴ : ۲ =۲

1	1/2
tuto	***duono***
تمام	نصف
ربع	سه ربع
1/4	**3/4**
kvarono	***tri kvaronoj***

Fino



پایان







ESPERANTO

D-ro H. Raŝidi

1986-7

نام کتاب : اسپرانتو

تالیف : رشیدی ، حیدر (۲۰۰۹ – ۱۹۲۰)

تاریخ انتشار : بهار ۱۳۶۵ ه . خ

نوبت چاپ : اول

ناشر : سازمان چاپ مشهد (در واقع ناشر خود مولف است و این فقط چاپخانه ایست که کتاب را نشر نموده است)

تعداد صفحات : ۶۵

خلاصه ی مطلب : خود آموز زبان اسپرانتو در بیست درس

قطع کتاب : ۲۱ در ۱۴ سانتی متر

قیمت روی جلد : ندارد

نحوه ی دسترسی : خرید از انتشارات عطایی در اوایل سال ۱۳۷۰ همراه با آقای زمانی به صورت دانگی (احتمالا جزو کتاب های دوره ی اول یا دوم آموزش اسپرانتو بود که توسط موسسه ی مطبوعاتی عطایی ارائه می شد . هر دوره ۲۰۰ تومان)

اسکن و پی دی اف کننده : علی اصغر کوثری

سپاس : سید قوام زمانی (نیما) بابت اشترک در خرید کتاب + دکتر کیهان صیاد پور بابت ارسال عکس دکتر رشیدی

میزان اهمیت : درجه ۱

گروه : ۱ (کتاب های اسپرانتو)

پیگیری : نیاز ندارد . کامل است.

توضیحات : این منبع ، اشاره وار – بدون ذکر مشخصات و شناسنامه ی کتاب – در " زبان دوم " معرفی شده است . ص ۳۹۹ بند ۳۷۲

حقوق مولف : از آن جا که سال ها از انتشار این کتاب می گذرد و پدید آورنده اش سال هاست فوت نموده ، بعید می دانم عرضه ی نسخه ی الکترونیکی این اثر ، منافاتی با قوانین حقوق مولف داشته باشد .

روش های دیگر دانلود : این برای نخستین بار است که این منبع مستقیما به توسط نویسنده ی وبلاگ کتاب شناسی اسپرانتو از روی نسخه ی کاغذی اسکن گردیده و پی دی اف آن تهیه و عرضه می گردد.

خریدنسخه ی کاغذی : نایاب

کتاب شناسی اسپرانتو(ایرانی – فارسی)

www.bibliografio.parsiblog.ir

همراه : ۰۹۱۸۳۳۸۶۵۹۰

کنگاور- ص پ ۱۹۶-۶۷۴۱۷